

باقی سمندر

کابل - افغانستان

15 قوس سال 1392 خورشیدی

2013/12/6 میلادی



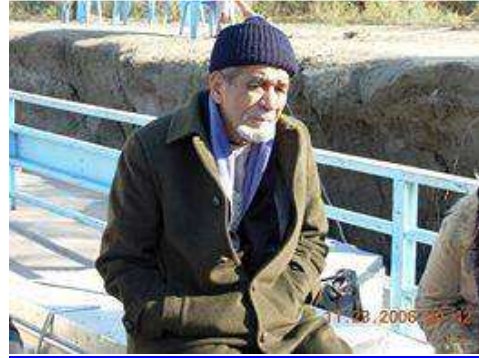
به همه عزیزان - به همه نیروهای ازادخواه و ازاده به همه انسانهای ترقیخواه و ضد
اپارتاید و ضد تبعیض نژادی و هر نوع تبعیض
مرگ دو ازادخواه را که یکی بروز پنجشنبه 5 دسامبر در کابلستان جان داد و عبدالقیوم
بیسد نام داشت و دیگری در افریقای جنوبی بساعت 8 ونیم شب جهان را پدرو دگفت و
نیلسون ماندیلا نام داشت ، تسلیت میگویم. یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد .
یاران غم خود را به نیرو تبدیل نماییم و با سلاح فرهنگی بیسد و ماندیلا برضد دشمنان
رنگارنگ ازادی و بشریت گامهای خود را فشرده تر سازیم.

بازگشت همه بسوی اوست

امروز پیش از چاشت جنازه شاد روان استاد عبدالقیوم بیسد در دامنه کوه شیر دروازه و
بالاحصار درساحه شهدای صالحین با حضور پر رنگ بسیاری از اعضای خانواده و
دوستانش بخاک سپرده شد و فردا (شنبه 16 فوس 1392) از ساعت یک ونیم تا سه ونیم
بعد از چاشت مجلس فاتحه مردانه بیاد و بود استاد بزرگوار در مسجد شبرشاه در کارته

چهار کابل وفاتحه زنانه زدر سالون فاتحه خوانی زنانه در جوار مسجد کارته چهار
برگزار میگردد. امیدوارم دوستان تیاتر- سینما و فرهنگ همه خود را در غم خانواده استاد
شریک دانسته و اندوه خود را به نیرو تبدیل نماییم.

استاد عبدالقیوم بیسد از چهره های موثر تئاتر افغانستان در سن ۸۵ سالگی در کابل درگذشت او صاحب ۱۴ نمایشنامه ی
رادیویی، ۱۵ تئاتر و نمایشنامه ی تلویزیونی است



ای غم نهاده برسر غم، از هراس مرگ
برگ درخت را و زمین را نگاه کن
این برگ، خاک میشود، این خاک ،
باز برگ !
ما نیز چون درخت
باید که تن دهیم به آن تندباد سخت
باید بزیر خاک بیابان بریم رخت

درسوگ از دست دادن استاد عبدالقیوم بیسد

نگارنده : زلمی رزمی

درسوگ از دست داد نابهنگام استاد عبدالقیوم بیسد که بیش هفتادسال از حیات خویشرا وقف هنر تیاتر، سینما و رادیو و تلویزیون کشور نموده آنقدر اندوهگین و متأثرم که قدرت نوشتن مطلبی پیرامون فقدانش از من سلب شده است هنرمندانی نظیر استاد بیسد که هزاران تن از هموطنان ما با آثارشان زندگی کرده و خاطراتی با آنان دارند تنها بخود تعلق ندارند، آنها متعلق بجامعه ما هستند.

هزار افسوس که پس از فقدان چنین شخصیت های هنری و فرهنگی بندرت کسی جای خالی آنها را پر میکند پس از درگذشت استاد رفیق صادق، مشعل هنریار، احسان اتیل، حمیدجلیا، فضلای، انجنیر محمدعلی رونق، سردار محمد ایمن، استاد وزیر محمدنگهت، سید مقدس نگاه و... چه کسی در تیاتر، سینما و رادیو و تلویزیون جای آنها را گرفته است؟ استاد عبدالقیوم بیسد هنرمند بارز شی که بتازگی از دست ما رفت در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در شهر کابل بدنیا آمد. استاد عبدالقیوم بیسد هنوز شاگرد خردسال مکتب بود که بنا به علاقه و استعدادیکه به هنر اکت و تمثیل داشت دروقفه های ساعات درسی چنان هنرمندانه به تقلید حرکات استادان مکتب میپرداخت که همصنفانش بشگفتی افتیده برایش کف میزدند.

به ده سالگی رسیده بود که بگفته خودش تحت تأثیر قصه های پر حرارت و حرکات دست و سر (سادو) ها قرار گرفته و از همینجا رویای اکت و تمثیل و کارهای هنری را در سر میپرواند تا اینکه با میان آمدن صحنه تمثیل در خزان سال ۱۳۲۱ استاد که نوجوانی بیش نبوده شادمانه به آن موسسه مراجعه و امتحان را موفقانه سپری کرد و در تیاتر راه یافت و اولین نمایشنامه ای که در آن نقش بازی کرد (میراث) نام داشت که اثری بود از استاد مرحوم عبدالرشید لطیفی. و استاد بیسد بدینگونه نامش را در کنار استاد رشید لطیفی، استاد عبدالرشید جلیا استاد برشنا و سایر بنیادگذاران هنر تیاتر کشور به ثبت رسانید

این درست در اوضاع و احوالی بود که زنان بدلیل تعصبات و سنتهای عقیمانده در هیچ عرصه هنری از جمله تیاتر راه نداشتند و لذا مردان از روی ناچاری می بایستی با ریش و بروت لباس زنانه به تن میکردند و نقش زن را نیز ایفا کنند که آنهم دل شیر میخواست و کمتر کسی حاضر بود به این کار تن دهد و اما استاد بیسد اولین مردی بود که پیشقدم شد و در نمایشنامه ای بنام (قربانی وفا) در نقش زن ظاهر گردید و سپس یکتعداد دیگر نیز کمر همت بسته و لباس زنانه به تن کردند و نقش های زنانه را به اجرا درآوردند تا تیاتر نو بنیاد کشور از پا نیفتد تا اینکه بعد از آزادی بانوان در سال ۱۳۳۸ تیاتر کشور بر مرحله تکامل یافته تری گام نهاد و زنان پیشگامی مانند لطیفه کبیر سراج، حبیبه عسکر، مزیده سرور، خانم مخفی، مقدسه مخفی، محبوبه جباری، میمونه غزال، روح افزا عسکر یار، زرغونه آرام، اقلینا مخفی، فریده شایان، نجیبه پژمان، نورتن نورانی، زلیخا نورانی، ثریا صمیم، فخریه محبوب، عذرا نیکخواه، فتانه اندیشه، حمیده عبدالله، زرغونه زرنگ، سایره بیرنگ، دلپناه نگاه، پروین صنعتگر و دیگران ابن سنت کهن را شکستاده و در زمانهای مختلف بعضی بصورت دوامدار و برخی کوتاه مدت نقش هایی را در نمایشنامه های تیاتر بازی کردند.

براستی استاد بیسد هنرمندی بتمام معنی انسان و پاک طینت بود و حسادت و کینه هیچگاهی در دلش راه نداشت و تجارب و آموخته هایش را از جان و دل به نسل جوان کشور ارزانی داشت استاد بیسد طی سالهای حیات پربارش نه تنها سه صد اثر مشهور جهان را دایرکت و تمثیل نموده و القاب و عناوین زیادی از جمله هنرمند شایسته، ممتاز، سلطان ستیز، استاد، پدر تیاتر و غیره را از آن خود ساخته است بلکه در عرصه های هنر سینما، شعر و شاعری، نوشتن نمایشنامه ها برای تیاتر، رادیو و تلویزیون نیز آثار بیادماندنی از خود بجا گذاشته است استاد عبدالقیوم بیسد که آرزوهای بیشماری در راه انجام خدمات بیشتر برای هنر کشورش را در دل میپرواورد افسوس که اجل مهلت نداد و سرانجام قلب این هنرمند بزرگ که مالا مال از عشق و صفا و محبت بود بدنبال یک بیماری در روز پنجشنبه تاریخ پنجم دسامبر ۲۰۱۳ میلادی از حرکت باز ایستاد و دوستان خود را بعد از یک زندگی پر افتخار هنری با غم دوری خویش سوگوار ساخت. یاد او را گرامی میداریم و بروانش درود میفرستیم.



ای خم نهاده بر سر خم، از هراسی برگ
برگ درخت را و زمین را نگاه کن
این برگ، خاک میشود، این خاک،
باز برگ!

ما نیز چون درخت
باید که تن دهیم به آن قند باد سخت
باید بر برگ خاک بیابان بریم وخت

درسوک از دست دادن
استاد عبدالقیوم پیسند

نگارنده: زلمی وزمی

ارزو

دلم میخواد درختی باشم

تنها در دشت غربت

خوش دارم

گر بر من فرود آید

توفان و آبرخش

و تند باد عصیانگر

فرو باشد برگ برگم را

من باشم و یک دنیا فریاد

اما خوش ندارم

مانند سنگ باشم

خاموش و بی صدا

زیر تاز پانه باد و باران

در زمانه ها

من در عرصه حیات

در تیتر زندگی

نالیدم ، موئیدم ، فریاد کردم

حنجره شدم برای داد خواهی

من آن بازیگری بودم حمت

که بدون تبعیض

به گاه گریه خندیدم

بجای خنده گریستم

برای آزادی از بند ستم و پیداد

برای عدالت

برای انسانیت

من نمرده ام

من با فریاد عدالت خواه شما زنده استم . (ناتور رحمانی)

یکی از روز ها هنگامیکه به خانه میامدم برخلاف همیشه در صحن آپارتمان مقابل ؛ مرد پیر و فرتوت ؛ خیلی توجه ام را به خویش مبذول داشت. زمانی که از کنارش رد میشدم سلام کردم باهمه ی توان و صدای رسا جوابم داد خیلی مهم این بود که در پشت آن نگاه ضعیف و ناتوانش حس میکردم کوه پر غرور و باشکوه استوار برقرار است. اما بعد از آن روز؛ ماه ها دیگر ندیدمش .

بعد از یک مدت یاد از تیاتر افغانستان و همینطور از لیاقت و شجاعت استاد بزرگوار قیوم بیسید در خانه ما شد و برادرم گفت: استاد در همینجا زندگی میکنند. آدرس را از برادرم گرفتم و به خانه ایشان رفتم با چنان هیاهو و هیجان که سراپایم را فراگرفته بود که حتی نمیتوانستم تصور کنم با کی و چی شخصیتی خواهم مقابل شد ، بالاخره من با همان شخصیتی که ذهنم را اینقدر متوجه خود ساخته بود دیدار کردم .ایشان از کارها و کارنامه های ماندگار خویش برایم حکایت نمودند که حالا به آنها میپردازم.

پس از عرض احترام و ادب به استاد محترم .

__ استاد بزرگوار چی حال دارید و وضعیت صحتی شما چی گونه است؟

استاد: سیاس گذار، خیلی خوشحال استم جوانی همچو شما را در کنار خود میبینم. وضعیت صحتی ام چندان مطلوب نیست ، و علاوتا ضعف و ناتوانی جسمی و روحی کهنسالی برای من که عمر خود را در راه هنر و خدمت به تیاتر گذشتاندم خیلی متاثرکننده است.

__ استاد بزرگوار فعالیت های هنری شما از چی زمان آغاز شد و حالا در چی موقعیتی میباشد؟.

استاد: اولین کارهنری ام در سال 1322 در نمایشنامه (میراث) که از ساخته های استاد لطیفی میباشد؛ بود . نقش کوچک از یک میرزای کم سواد را در آن داشتم ، اما با آرزوهای بی پایان وارد این عرصه شده بودم و تا 1360 با تمام سعی و تلاش در عرصه تیاتر و سینما و رادیو فعالیت نمودم .تا امروز هم هنوزکه هنوزاست اگرچی وضع صحتی ام مطلوب نیست در این زمینه فعالیت میکنم ؛ بر علاوه حالا به عنوان معاون اول حزب (پیوند ملی) همکار دوستان میباشم.

__ استاد محترم تا به حال چند شاگرد در زمینه هنری تربیه کرده اید و آرزوی شما در برابر نسل جوان چیست ؟.

استاد: من در طول مدت فعالیت خویش بیش از صدها استعداد را کشف و در هنر تیاتر تربیه کرده ام . و امروز هم خود را خوشبخت میدانم که بتوانم در نسل جوان همچو استعداد ها را کمک کنم حتی اگر ده شاگرد در رشته تمثیل ، کارگردانی ، نمایشنامه نویسی ، دکور، مکیژ و تاریخ ادبیات نمایشی از دوران یونان باستان تا امروز؛ تربیت نمایم برایم سعادت کلان خواهد بود.

__ آیا در برابر خدمتگذاری هایتان از جانب مقامات دولتی تقدیر شده اید و آیا دولت تا به حال به شخص شما و آرزو ها و مفکوره هایتان توجه کرده است ؟

استاد: من ارجانب دولت ج.د.ا و رهبران آن زمان مورد تقدیر قرار گرفته بودم ؛ در آن وقت من 23 مدال تنها از دوره داکتر نجیب دریافتم. و در زمان حکومت جناب کرزی یک بار مدال دریافتم آن هم از خود ایشان . اما وزارت اطلاعات و فرهنگ تا امروز نه تنها برای من که در برابر هیچ هنرمند توجه خاصی نداشته است. و باید فراموش نکنم از جانب آقای غلام حسین، فرخ اسفندی و ظاهرخان لقب «پدرتیاتر» برایم عنوان شد.

__ آیا مقامات رسمی فرهنگیان کشور تا چی اندازه با شما روابط حسنه دارند و از شما خبرگیرا هستند؟.

استاد: در مورد مقامات رسمی چندان نمیتوانم چیزی بگویم ، اما مردم و فرهنگیان و آن تعداد کسانی که حتی کوچکترین علاقه به تیاتر و سینما دارند؛ تا اندازه زیاد از من خبرگیری نموده اند و در زمینه های مختلف همکار و سپاسگذار شان بودم و استم . یکی از این شاگردان عزیزم جلال نورانی که یکی از طنزنویسان پرکار این سرزمین میباشد ، در کتاب زیرعنوان «هنر نمایشنامه نویسی» درمورد من به یک نام مستعار بحث نموده است.

__ برای هنرمندان کشور و اولیای امور هنری و فرهنگی چی پیام دارید؟

استاد: پیام و توصیه من به عنوان پدر شان ، به عنوان پیشکسوت شان ، کسی که زندگی خود را وقف تربیه نسل جوان کرده این است که برای ترقی و تنور جامعه و هر فرزند وطن اندیشه و کار نمایند. برای منافع و بخاطر سرنوشت شخصی و خانواده گی و قومی یا مذهبی خود هیچگاه در برابر سرنوشت جامعه و وطن دغدغه ای رزمندگی و دینداری خویش را فراموش نکنند . هدفم کار و تلاش بیشتر برای تغییر باور های منفی در جامعه است که دست و پای ما را بسته مارا بدبخت کرده و از دنیا و همسایه ها بسیار پسمان ساخته است. ایجاد یک تیاتر و هنر نمایشی مبتکر و روشنگر که با تیرهای انتقاد خرافات و عادت های مبتذل را از نفس اندازد؛ آرزوی بزرگم بوده است و میباشد. انساتهای کشور ما بیشتر خوبی و بدی خود را با معیار های کهنه می سنجند پس باید سبک افکار نو و علمی و مفید و وحدت بخش و سعادت بخش در جامعه پدید آید.

__ آیا وضعیت تیاتر در کشور به نظر شما استاد بزرگ رضایت بخش است؟

استاد: وضعیت تیاتر امروز مطلوب نیست. اساساً از جانب مقامات عالی رتبه دولتی و اطلاعات و کلتور توجه لازم صورت نمیگیرد. تیاتر وسیله نیرومندی برای تاثیر در مردم است. شخصیت سازی و تیپ سازی یکی از کارکرد های بسیار مهم هنر میباشد. به کارگرفتن شخصیت های هنری و تیپ های مثبت و منفی در تیاتر و نمایش؛ تماشاگر را به سوی آنچه حقیقت و زیبا و متعالی و قابل پیروی و سرمشق است رهنمون سازد و از عکس آنها بر حذر و دور میگرداند ، در واقع وسوسه بزرگ تیاتر همین است. هیچ اثرنمایشی نیست که در اخلاقیات و آگاهی های اجتماعی اثر نگذارد. بزرگترین مساله تیاتر اعتلای اصول زیست فردی و باهمی و امور رفتاری و اخلاقیات یک جامعه است.

امروز متأسفانه هرچیزی به نام هنر در بازار سیاه قرار داده میشود؛ خیلی هایش مبتذل و یا مضر است و یا تکرار دو باره است که ارزش و کیفیت لازم و سودمند و لذت بخش و اعتلا دهنده برای مردم ندارد. هرآنچه تمثیل میشود در قالب نمایشنامه یا در فیلم و سینما وقتی ارزش و معنا پیدا میکند که احساس و عاطفه و آگاهی و وجدانیات فرد و جامعه را تکامل ببخشد لطیف بسازد و انگیزه و نیروی خود دوستی و دیگر دوستی را پرور بسازد.

__ از جوانان وطن و خاصا انهای که استعداد هنری دارند و به کارهای هنری هم دست میزنند چی انتظار دارید؟

استاد: از همه اولتر رحمت به آن عده دختران و زنان که زندگی خویش را وقف تیاتر، سینما و تلویزیون کرده اند و امروز هم در این زمینه ها کار و فعالیت میکنند که در جامعه ما به معنی مبارزه است . خوشبختی اینجاست که جوانان در همچو شرایط با علاقمندی و فداکارانه زحمت میکشند. و در راه آزادی بیان ، آزادی اندیشه و آزادی مطبوعات در برابر مظالم میجنگند.

توقع و انتظار اصلی همه از دولت و خاصا از وزارت اطلاعات و فرهنگ و بخش های آموزش و پرورش است تا شرایط و زمینه های بهتر و با کیفیت تری برای تعلیم و تربیه سالم جوانان مساعد سازند. جوانان امروز ؛ مهمترین جزء اصلی و اساسی جامعه امروز و تشکیل دهنده تمام و کمال جامعه فردا میباشدند. برای اینکه هریک از جوانان دارای یک اندیشه و مفکوره جدید و درست و کارساز برای خود و جامعه گردند باید نمره جو و دیپلوم طلب محض نباشند هر آنچه را از امکانات دولتی و اجتماعی میسر است تمام و کمال بیاموزند و فراموش نکنند که امروز برای آموختن و کمال یافتن راه ها و امکانات صد ها برابر زمان جوانی های ماست. آرزو دارم جوانان ما بهترین بهره هارا از انترنیت و رسانه های نوین بگیرند؛ شاخص مطالعه و کتابخوانی و شاخص تولید علم و تولید آثار هنری عالی را در کشور ما؛ از اندازه بسیار پائین و خفت بار کنونی ؛ به

بالا ها و بالا ها ببرند و افغانستان را از سرزمین ترور و تریاک و فساد به سرزمین عدل و عاطفه و صلح و سلام و دانش و روشنایی تبدیل نمایند. خواستن توانستن است؛ بخواهید و عزم کنید؛ چنین میشود!

__ از مطبوعات و انترنیت و رسانه های همگانی در زمینه های عام و خاص چه توقعات دارید، آیا نقش و وظیفه خود را به درستی ایفا میکنند؟.

استاد : به نظر من ؛ هر کدام به زعم خویش آنچه خوب و درست است انجام میدهند. اما برای کسانی که عمر خود را در رشد هنر و تدریس علم و سایر خدمات ملی و اجتماعی گذشتانده اند چندان؛ کار انجام نمیدهند. بعضی از تناقص های عجیب و بی عدالتی ها هم وجود دارد، شخصیت سازی ها و قهرمان تراشی های کاذب . با توجه به تحول که در شناخت تاریخ روی داده است اصالت بزرگ کار مطبوعات و چیز های همدیف آن که رسانه ها و شبکه های اجتماعی باشند آنجاست که تاثیر دو جانبه را بوجود آورد در جامعه و انسان و باز در خود شان. مطبوعات و نشریه های انترنیتی که میتوانند ذهنیت انسانها را شکل بدهند باید از دست کم گرفتن مردم و عوامفریبی منزه باشند. چرا که منزل دروغ کوتاه است و حالا خیلی زود حقایق افشا میشود.

با اینهم خیلی خوشبختم که حد اقل در این سن پیری شاهد رشد مطبوعات و رسانه های خبری و تنویری استم که جامعه را به نیکی و آگاهی هدایت میکنند، مجبور میسازند به درک واقعیت، به شناخت خود و جهان و همین جامعه را غنا و تاره گی میبخشد.

__ و به عنوان آخرین سوال استاد محترم؛ با نظر داشت صحبت های خوب و سازنده شما؛ چه تعداد هنرمندان و فرهنگیان و روشنفکران کنونی را شما قابل تشویق و تقدیر میدانید؟

استاد: خوشبختانه خیلی زیاد هستند تا حدی که ذهن من یاری میکند. از جمله هنرمندان، نویسندگان، استادان پوهنتونها، رئیس بخش تیاتر و سینما و همچنان ان عده کسانی که در رسانه ها کار و خدمت میکنند همه قابل تقدیر و تمجید هستند. مخصوصاً از آن عزیزانی که به خاطر وظایف شریفانه شان؛ شهید شده اند و یا به گرفتاری و مهاجرت و صدمات دیگر مواجه شده اند؛ باید خیلی زیاد قدر دانی و دستگیری کنیم.

__ سپاس و امتنان زیاد استاد بزرگ و مهربان؛ خیلی افتخار بخشیدید برای من که لحظات گرانبهای خویش را در اختیارم گذاشتید.

استاد: من هم خیلی خوشحال شدم از علاقه زیادت به هنر و در میان هنرمندان به من؛ آرزوی موفقیت های کلان برایم دارم. بالاخره به پایان صحبت هایم رسیدم ، اما خیلی جالب است که این ملاقات و حاصل آن به یک بارگی و غیرنامنتظره اتفاق افتاد.

May 19th, 2013

برداشت و باز نویسی درونمایه این تارنما در جاهای دیگر آزاد است. خواهشمندم، خاستگاه را یادآوری نمایید .

امید وارم که ناتور رحمانی وزلمی رزمی برمن ببخشایند که بدون اجازه ایشان نبشته شان را بنشر رسانیدم و من در غم و اندوه استاد مانند همه دوستانش شریک بوده و بشما نیز تسلیت میگویم.

باقی سمندر

کابل – شهدای صالحین

--